

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۱، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸، صص ۴۲-۱۳

معرفی، بررسی و تحلیل نسخه خطی «تحفه الوزراء»

علی بسطامی شاهرودی «مصنفک»

مینا سادات امیرآفتابی^۱، دکتر اصغر دادبه^۲



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۹

چکیده

«تحفه الوزراء» یا «تحفه المحمودیه» اثر شیخ علی بسطامی شاهرودی مشهور به «مصنفک» از فارسی نویسان دربار عثمانی در قرن نهم است که تاکنون هیچ یک از آثار وی مورد تفحص قرار نگرفته است. تحفه الوزراء به درخواست محمود پاشا در زمان سلطان محمد فاتح به رشته تحریر درآمد. مؤلف در آن زمان در ادرنه سکونت داشت و از علمای مهم دربار محمد فاتح محسوب می شد. این اثر در ده باب نگاشته شده و برخی بابها فصول متعددی را شامل می شوند. به لحاظ محتوا و مضامین، این اثر را می توان در زمره اندرزنامه های سیاسی محسوب کرد که مساعی نویسنده بر آن است تا شیوه اداره حکومت را به فرامین شریعت نزدیک سازد. نویسنده در این راه از آیات، احادیث، اخبار و اشعار بزرگان ادب فارسی و عربی به منظور اعتبار بخشیدن به اثر خویش و ایجاد تنوع در محتوی آن، مدد می گیرد. این نوشتار بر آن است، با معرفی مؤلف و آثار وی، به بررسی اثر «تحفه الوزراء» و مندرجات آن بپردازد تا نقاب از چهره یکی از مؤلفین فارسی نویس آناتولی بردارد.

واژه های کلیدی: نسخه خطی، اندرزنامه، سیاست نامه، تحفه الوزراء، مصنفک.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، کاشان، ایران. mina_aftabi@hotmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). adaadbeh@yahoo.com

مقدمه:

نسخ خطی گنجینه‌های ارزشمندی هستند که احیاء آنها اطلاعاتی درخور در زمینه اندیشه، زبان و فرهنگ پیشینیان را در اختیار ما قرار می‌دهد. با وجود کوشش‌های فراوانی که تاکنون برای شناسایی و احیای ذخایر مکتوب ایران زمین انجام گرفته، هنوز کتاب‌ها و رساله‌های ارزشمند بی‌شماری از ادوار مختلف در داخل و خارج کشور شناسایی و منتشر نشده است.

نگاه نقادانه و علمی به میراث‌های مکتوب، نه تنها قوت‌ها و ضعف‌های گذشتگان را آشکار می‌کند بلکه در تبیین علل و راه‌های برون رفت از مسائل و مشکلات، مددکار نسل حاضر خواهد بود. تحقق این امر منوط است به «شناخت پسندهای خوش و ناخوش مادی و معنوی پیشینیان، شناختی اعتقادی، به همان صورت که گذشتگان آن را وضع کرده و با آن زیسته‌اند، نه به گونه‌ای که گذشت روزگاران بر آن‌ها غبار تحریف و دگرگونی افشاند» (مایل هروی، ۱۳۸۰، ۳۷۹)

نسخه خطی تحفه الوزراء با نثری متنوع (مصنوع، مرسل و مسجع) از قرن نهم برجای مانده است. این اثر به لحاظ محتوی در زمره اندرنامه‌های سیاسی به شمار می‌آید اما به لحاظ تنوع نثر و آمیختگی با ابیات و اشعار اثری ادبی و تعلیمی محسوب می‌شود. مؤلف بیش از نیمی از عمر خویش را در جغرافیای سیاسی حکومت ایلخانی و بقیه آن در قلمرو حکومت عثمانی به سر برده است اگرچه در آثار فارسی وی می‌توان نشانه‌های نثر تیموری را مشاهد نمود. مصنفک در فقه، شریعت، کلام، اخلاق، معانی، لغت و نحو سرآمد زمان خویش بوده و به بهره‌جویی از متون ادبی (نثر و شعر) اشتیاقی وافر داشته است و گاه خود طبع آزمایی نموده و به استقبال شعری از بزرگان ادبیات ایران پرداخته است.

آشفته‌گی اوضاع سیاسی و اجتماعی در دوره تیموریان از اسباب مهاجرت علما به قلمرو حکومت‌های مقتدر در قرن نهم محسوب می‌شود. سرمایه‌های مادی و معنوی تمایل به شرایط و فضای امن دارند تا در آن بیالند و فزونی گیرند. در قرن نهم، در دربار عثمانی، فارسی‌گویان و فارسی‌نویسان کم نیستند خصوصاً که برخی از مقتدرترین سلاطین عثمانی به ظرافت‌های زبان فارسی آشنایند و از آن لذت می‌برند.

«تحفه الوزراء» اثر مصنفک از جمله آثار فارسی این دوره است که در قرن نهم در عصر سلطان محمد فاتح و به درخواست محمود پاشا وزیر وی (هر دو به فارسی تسلط داشتند) تحریر شد و بنابر نقل مؤلف مختصر شده اثری مطول به نام «تحفه السلاطین» است. نسخ خطی میراثی از فرهنگ پرمایه ملی و مذهبی ایران است که کارنامه بزرگان و هویت ایرانیان محسوب می شود. تصحیح متون نسخ خطی، همواره برحسب یک ضرورت فرهنگی در همه اعصار و ادوار و در میان ملل مختلف مورد توجه قرار داشته است. معرفی مصنفک، آثار و جایگاه علمی و ادبی وی در حوزه اندرزنانه نویسی، سیاست نامه نویسی و شریعت نامه نویسی در تبیین گستره این نوع ادبی در ادبیات ایران نقشی چشمگیر دارد و از دشواری های فارسی نویسی در آناتولی پرده برمی دارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، بخش معرفی نویسنده و آثار او و معرفی نسخ موجود از اثر، به روش کتابخانه ای و بخش معرفی نسخه ها و ویژگی های نگارشی آن ها به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

پیشینه تحقیق

اگرچه تصحیح و احیای متون یکی از عرصه های مهم تحقیق است، اما بسیاری از آثار ارجمند فارسی را می توان یافت که یا تصحیح نشده و یا به تصحیح مجدد نیاز دارد. علی بن مجدالدین بسطامی شاهرودی به سبب کثرت آثارش در تذکره «مصنفک» نام گرفته است و براساس ادعای مدیرعامل موسسه پژوهشی میراث مکتوب، چهل اثر از وی در کتابخانه سلطان فاتح موجود است اما هیچیک از آثار فارسی این نویسنده در ایران تصحیح و چاپ نشده است. از تحفه الوزراء دو نسخه متعلق به سال ۸۶۱ق و ۱۲۱۰ق در دو کتابخانه ایاصوفیه و توپکاپی یافت شد که مورد استناد این پژوهش قرار گرفت.

مبانی تحقیق

شرح احوال مصنفک

در زمینه ی شرح احوال مصنفک، استادان و آثار او، منابع متعدد، مطالبی متنوع آورده اند

که اگر چه قسم فراوانی از آنها مشترک با یکدیگر است اما اختلاف‌هایی هم در اطلاعات این منابع، به چشم می‌خورد. این منابع عبارتند از: ریحانه الادب، الشقائق النعمانية، شذرات الذهب، لغت‌نامه دهخدا و تحفه الوزراء (به نقل از خود مؤلف). منبع مورد استناد این مقاله موثوق‌ترین آنها است که از زبان مؤلف می‌باشد و در تحفه الوزراء بدان پرداخته شده سپس در ادامه موارد اختلاف آن منابع با یکدیگر، مورد مذاقه قرار گرفته است.

شرح احوال مصنفک در تحفه الوزراء (به نقل از خود مؤلف)

شیخ علی بسطامی شاهرودی در باب هشتم در فصل ششم (امور متفرقه) به بیان شرح حال و آثار خود پرداخته است اما قبل از ورود به موضوع اصلی، به رساله ای اشاره می‌کند که در سال ۸۳۴ ق. در پاسخ شخصی به نام حسن نگاشته و در آن به گزاف‌گویی‌ها و ادعاهای وی پاسخ داده است. مصنفک در آغاز رساله به نقد مدعیان و مخالفان و سپس اصل و نسب، تاریخ ولادت و بیان عدد تصنیفات و تألیفات خود پرداخته و چنین آورده است:

«این فقیر حقیر - غفرالله ذنوبه و ستر فی الدارین عیوبه- در تاریخ سنه اربع ثلاثین در خراسان در تربت مقدسه‌ی بسطام - علی ساکنینا التحیه و السلام- در حق یکی از فضلاء زمان و علماء آن اوان که نام او حسن بود و در بعض مجالس لافی می‌زد و چنان می‌نمود که در فلان مجلس این فقیر حقیر را در مباحثه الزام کرده، رساله‌ای در آن باب، این فقیر نوشته و همت و کیفیت حال خود را در آنجا بیان نمود. و این رساله در آن دیار انتشار یافته چنان که اکثر فضلاء آن دیار نوشته‌اند و حفظ کرده و یاد گرفته. این فقیر این رساله را اول در اینجا بر آن صورت و انشا بیاورم و تمام آن را نقل کنم زیرا که در ضمن آن فواید است و بعد از آن از اینجا به مقصود انتقال نمایم و آن رساله این است ...» (بسطامی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۲۲۵-۲۲۶)

مصنفک در آغاز رساله به ستایش علم و خرد پرداخته و کلام خود را به آیات و احادیث مزین ساخته و می‌نویسد: « این فقیر حقیر، شیخ علی بن مجدالدین الشاهرودی البسطامی از مطلع جوانی و منبع عیش و زندگانی و از مبادی روزگار شباب و طلایع ایام اکتساب که زمان

صبی و متعهد روزگار هوس و هوا بود، او را بواعث علو همت و لواجیح شرف و نهمت بر مقتضای «له همم لامتهی لکبارها و همته الصغری اجل من الدهر» مقتضای آمد بر آنکه بل دون همتی و حسّت به وسایل علو همت مبدل گرداند زیرا که قانع شدن به هر مویزی نه کار خردمندان است و سرفروید آوردن به هر پیشیزی نه شیوه عاقلان...» (همان: ۲۲۷-۲۲۸)

شیخ علی پس از ذکر توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی خویش به محصول این استعدادها و آوازه و شهرت گسترده خود اشاره می‌کند و می‌نویسد: « سرمایه کمال تطفن به رموز و اشارات به دست طلب آمد و گنج معانی در مطرح نظر فکرت مشاهده افتاد تا سهمی کامل و خطی شامل به حصول موصول گشت. چنانچه مصنفات باهره و مؤلفات زاهره در هر فنی با جزالت الفاظ و لطافت الفاظ اتفاق افتاد، چنانچه طنطنه تصنیف و دبدبه تالیف این فقیر در بلاد و امصار به مسامع اهل اعتبار و آذان اولی الابصار رسید. اگر پرتو تجلی در رسید عجب نیست زیرا که سختی راه وادی ایمن کشیده است تا غایتی که در بسیط خراسان و ماوراء النهر و نواحی ترکستان و خوارزم و بلاد عراق عموماً و مصر جامع هرات خصوصاً ... جمله فضلا و تمامی علما انگشت حیرت به دهان عجز گرفتند و بر بدایع و غرایب این مصنفات دُر تحسین می‌سفتند...» (همان: ۲۲۹-۲۳۰)

وی در تفاوت علما و طلاب می‌نویسد: « بلی اهل علم بسیار و طالبان فضل بی‌شمارند ... هر آینه آن‌ها که عالمانند و آن‌ها که دعوی کنند که از جمله ایشانند، همه به ظاهر و صورت انسانند و به هیئت و شکل یکسانند و جمله علاقه‌ای دارند و دستاری و تحصیل این علاقه و دستار به غایت آسان است.

به سه کز فوطه و به نیم من پشم
می‌توان شد به صوفیان مانند
سی و چل سال خون ببايد خورد
تا بگویند مرد دانشمند

پس اگر جمعی از طلاب این روزگار... بر این علاقه و دستار اکتفا و اقتصار نمایند و اگر این جمع را و یا غیر این جمع را چشم دل بسته باشد که نظر در این فقیر حقیر به اعتبار صورت نمایند و از راه معنی غافل باشند چه باک.» (همان: ۲۳۱)

گویی با مرور طعنه طاعنان، بر خشم شیخ علی افزوده و زبانش تلختر می‌شود و می‌گوید:

«اصحاب نقصان اگر اصحاب کمال را بنا بر جهل خود قدحی کنند یا طعنی زنند این حالت هیچ سبب نقصان اهل کمال نشود. پس اگر جمعی از اسافل ناس که اکنون خود را در این لباس جلوه می‌دهند و از الزام این فقیر حکایت می‌کنند یا کسر این فقیر می‌خواهند، هیچ عجب نیست زیرا که «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً». اگر جمعی از ارادل و بعضی از اسافل که ذات ایشان عین قبح است و ذات قبح، عین ایشان، خود را بر مقتضای بر عکس نام نهند، زنگی کافور حُسن نام نهاده‌اند. آن را که محاسنش بود ریش بنگر که مقابحش چه باشد.» (همان: ۲۳۲)

در پایان رساله به ذکر دعا می‌پردازد و می‌گوید: «حق جل و علا دیده عیب جوی و زبان گزاف‌گوی را از تنقیص بی‌دلیل و تبطیل بی‌سبیل کوتاه دارد و حاسد را دائماً بر رشته «حبل من مسد» بسته گرداناد.» (همان: ۲۳۴)

اباء جسمی (نسب و اجداد وی)

« اما اصل این فقیر آن است که امام فخرالدین رازی -رحمه الله- که از ولایت ری است از قریه‌ای که آن را قوه خوانند. چون حضرت عزت او را به علوم عقلی و نقلی آراسته گردانید، او معظم ممالک و اکثر بلاد را دید و سفر کرد و در قطع و قلع اصحاب مذاهب ردیه و اعداء دین، سعی جمیل مبذول داشت و از این جهت است که او را «حجه الله و سیف الله» گویند. القصه بعد از سفر بسیار در مصر جامع هرات ساکن گشت و تفسیر کبیر را در آنجا تصنیف کرد و او را شیخ الاسلام خراسان و هرات گفتندی و اکنون مرقد او در هرات است. چون در هرات ساکن شد حق تعالی او را فرزندی داد، نامش محمد نهاد. چون آن محمد نصاب کامل از علوم برداشت در غره شباب، اجل بر سر او تاختن گرفت. عورت او حامله بود، بعد از وی پسری حاصل شد، او را نیز محمد نام نهاد و او نیز در علوم سعی نمود تا به مرتبه کمال رسید. او را حق تعالی - جل و علا- فرزندی داد، نامش محمود نهاد. او نیز در علوم سعی نمود تا به مرتبه کمال رسید. عزیمت مکه مبارکه کرد و از هرات بیرون آمد، چون به بسطام رسید در قصبه شاهرود که مولد این فقیر است، نزول نمود. اهل شاهرود به حکم محبت علم و علما به تخصیص عالمی که از نسل امام باشد، با او محبت

بسیار نموده‌اند و کمر خدمت او را بر میان جان بسته‌اند و به تعظیم و حرمت هر چه تمامتر او را در آنجا نگاه داشته‌اند. بعد از اقامت حق تعالی او را فرزندی داده مسعود نام نهاده‌اند. او نیز در علوم سعی نموده و عالم شده اما نه چنان زیرا که مهاجرت ننموده و سفر نکرده به همان مرتبه و عظم قانع گشته و این مسعود را فرزندی حاصل شده، نام او محمد نهاده و او نیز، آن مقدار علم حاصل کرد. که مقتدایی آن موضع از دست نرفته و او را نیز فرزندی حاصل شده نام او مجدالدین محمد نهاده و این مجدالدین محمد والد این فقیر است و او نیز آن مقدار سعی نموده که مقتدایی آن جای به حکم ارث از دست او نرفته و نام امام (فخر رازی) نیز محمد بوده و نام پدر او عُمَر و در باب اول بیان نمودیم که جمهور علما و اهل تاریخ برآنند که امام از اولاد ابوبکر صدیق است - رضی الله عنه - و امام - رحمه الله - در بعض مواضع از مصنفات خود نوشته که از اولاد عمر بن خطاب است - رضی الله عنه - القصة نسب این فقیر بر این ترتیب است: شیخ علی بن مجدالدین محمد بن محمد بن مسعود بن محمود بن محمد بن محمد بن فخرالدین محمد بن عمرالرزای العمری البکری، هولاء آبا الابدان. (بسطامی شاهرودی، ۸۶: ۲۳۶ و ۲۳۷)

اباء روحی (استادان وی)

شیخ علی بسطامی در این بخش به معرفی استادان و معلمان خود می‌پردازد و از آنان با احترام یاد کرده و شأن و مرتبه‌ای را که آنان برای او قائل بوده‌اند، ذکر می‌نماید. برخی از بخش‌ها به زبان عربی و برخی به زبان فارسی است که جهت یکدست بودن متن همه‌ی آن به فارسی نقل می‌شود. مؤلف می‌نویسد: « اما آباء ارواح که عبارت است از استادان کامل که در علمی ماهر و صاحب کمال بوده‌اند و در تعین و اعتبار «کالشمس فی نصف النهار» گشته‌اند و هر یک در علم خود این فقیر را تربیت نموده‌اند. اما در علم عربیت و تفسیر این فقیر را دو استاد است.

- مولانا جلال الدین یوسف اوبهی - رحمه الله - که مقدم علماء خراسان و عراق و ماوراءالنهر بود و در علم عربیت به تخصیص در کشف و مفتاح بی نظیر عصر و زمان بود و در حسن طبیعت و ذکاوت و قوه قریحت مثل بود و او شاگرد مولانا سعدالدین تفتازانی - رحمه الله - بود که او ختم مجتهدین است و مصنفات او عالم را گرفته و او را اجازت داده

و در اجازت او رخصت فرموده که در مصنفات او هر جا که داند که محتاج تغییر است، تغییر نماید، با وجود چندین کاملان که در ماوراءالنهر و خراسان شاگردان او بوده‌اند و دیگری را رخصت تغییر نداده است... (بسطامی شاهرودی، ۸۶: ۲۳۷)

- استاد دوم در عربی و تفسیر علامه‌ی فاضل، قطب دین و ملت، احمد بن محمد بن محمود امامی هروی است که او شاگرد جلال الدین یوسف اوبهی بود که او هم شاگرد سعد التفتازانی به شمار می‌آمد.

- استاد مؤلف در فقه شافعی، امام عبدالعزیز بن احمد بن عبدالعزیز ابهری است. مؤلف نزد او کتاب الحاوی را قرات کرده و از او اجازه تدریس و فتوی را دریافت نموده است. شیخ علی قسمی از متن اجازه نامه مذکور را در تحفه الوزراء بدین صورت ذکر کرده است: «فاجزت له ان یدرس جمیع الکتب المتداوله من کُتُب الفروع و الاصول و نسخ المعقول و المنقول و این یروی التفسیر و الحدیث و الفقه عنی و کل ما وضع و صح عنده انه من مقرواتی و مسموعاتی و مجازاتی بشرط الرعايه لما شرطه اهل الصنائه فی الروایه و ان یکتب فی الحوادث الدینیة و الوقایع الشرعیة جواب الفتوی بشرط الاحتیاط و الرجوع الی الکتب مره بعد اخری و اختیار ما هو الاصح و الاقوی و الله یعصمه و ایای من الميل و اتباع الهوی.» (همان: ۲۳۹)

- استاد او در فقه حنفی، محمد بن محمد علا نام دارد که مؤلف او را به عنوان آیه باهره در فتوی و حجت قاهره در تقوی معرفی می‌نماید و اجازه نامه او را در صدور فتوی و تدریس چنین می‌آورد: «هذا الفاضل فی اجازته لی و ان من جمله من حض الله شانه بالعلم الذی ... مجمل العلوم عنده مفصل و لباب الفنون له محصل. ذهنه الفایق الرایق، کنز مشحون بجواهر الدقایق، الاخ فی الله السالک، فی محجه الانتباه ابوالمحامد، شرف المله والدین شیخ علی بن الامام المرحوم المبرور مولانا مجدالدین محمد الشاهرودی البسطامی متع الله المستفیدین بانفاسه النفیسه مده طویله الی ان قال و سمع منی و قرأ علیّ و حقق لدی الدفتر الاول من الهدایه للشیخ الربانی و الحبر الهمام الصمدانی شیخ الاسلام برهان الشریعه و المله و الدین المرغینانی ... و جرى بیننا مباحثات کثیره بتیره و مناظرات غزیره فوقفت بتفتیشة علی دقایق کانت مستوره فی خیام الاستتار و اطلعت بتتقیره علی حدایق ذات بهجه بروق

عیون اولی الابصار. فاجزت له ان یروی عنی التفسیر و الحدیث و الکلام و الفقه و اصوله و الادب و ما ینخرط فی ذلک النظام و ان یجیب بالبنان و البیان فی الحوادث الیومیة و النوازل الشرعیة به بعد الایقان و الاتقان و یتبع مختارات الروایات بقدر الوسع و الامکان علی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه -علیه شاء بیت الرحمة و الرضوان- (همان: ۲۴۰-۲۴۱) از آنچه در متن فوق به نقل از مؤلف آمده است پدران معنوی او عبارتند از:

۱. جلال الدین یوسف اوبهی در عربی و تفسیر.
 ۲. احمد بن محمد بن محمود امامی هروی در عربی و تفسیر.
 ۳. عبدالعزیز بن احمد بن عبدالعزیز ابهری در فقه شافعی.
 ۴. محمد بن محمد علا در فقه حنفی.
- چنانکه از مطالب فوق بر می آید، شیخ علی بسطامی در دو فقه حنفی و شافعی مجتهد و صاحب فتوی بوده است.

در شرح احوال مصنفک که از منابع متعدد ذکر شده یقیناً در آنچه که تحفه الوزراء ذکر کرده است هیچ تردیدی وجود ندارد زیرا به وسیله خود مؤلف در سال ۸۶۱ ق نگاشته شده است اما در اینکه، امکان دارد آن شرح حال کامل نباشد تردیدی نیست زیرا مؤلف ۱۴ سال بعد از نگاشتن تحفه الوزراء در قید حیات بوده است و طبیعی به نظر می آید که برخی حوادث سالهای اخیر زندگی وی مغفول مانده باشد.

منابع مختلف در شرح احوال مصنفک کم و کاستیها و افزودنیهایی دارند که با کنار هم قرار دادن اطلاعات و مقایسه آنها با هم می توان تصویری کامل از زندگی مؤلف به دست آورد. نمونههایی از تفاوت های منابع:

در بررسی آثار شیخ علی بسطامی شاهرودی، تحفه الوزراء اشاره ای به تفسیر محمدیه ندارد در حالی که در سایر منابع نه تنها به نام این اثر اشاره شده بلکه یادآوری نموده اند که به فرمان محمد فاتح، سلطان عثمانی به رشته تحریر درآمده است.

الشقائق النعمانیة و شذرات الذهب به شمایل ظاهری و دوران پیری و کهولت مؤلف پرداخته اند در حالی که سایر منابع نسبت به این دوره سکوت اختیار کرده اند.

ریحانه الادب و دهخدا سال وفات مؤلف را، ۸۷۱ یا ۸۷۵ ق اما شقائق النعمانیة ۸۷۵ ق

می‌آورند و شذرات الذهب، تاریخی ذکر نمی‌نماید. با توجه به آنچه محمد نشری در جهان نما می‌آورد شیخ علی بسطامی در سال ۸۷۵ در قید حیات بوده است. شاهد این مدعا: «در پی لشکرکشی سپاه عثمانی به بوسنی، حاکم بوسنی استفان توشویچ تسلیم محمود پاشا شد و وزیر اعظم با وی مصالحه کرد. سلطان محمد فاتح برخلاف وزیر اعظم خود، معتقد بود که با مغلوب مصالحه نباید کرد، در پی استفتاء سلطان از علما در این باره، شیخ علی بسطامی مشهور به مصنفک، فتوایی بدین مضمون صادر کرد که می‌توان عهد و پیمان میان حاکم بوسنی و وزیر اعظم را نادیده گرفت. (۸۷۵ ق ۱۴۷۰) و به استناد همین فتوا، حاکم بوسنی به قتل رسید. به استناد این ماجرا درگذشت مؤلف در سال ۸۷۱ نادرست و ۸۷۵ به حقیقت نزدیک‌تر است.» (نشری، ۱۹۹۵: ۷۶۴/۲-۷۶۶؛ مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ج ۵، ۳۲۲؛ طاشکبری زاده، ۱۹۷۵: ج ۱، ۱۰۱ و ۱۰۲؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ج ۹، ۴۷۵-۴۷۷؛ دهخدا: ۱۳۴۵: ذیل مصنفک)

آثار و تألیفات مصنفک

شیخ علی بسطامی شاهرودی در بخشی از فصل ۶ باب هشتم سال شمار زندگی و آثار خود را چنین ذکر می‌نماید:

- ولادت ۸۰۳
- در سال ۸۱۲ ق. مهاجرت به هرات و اشتغال به تحصیل.
- ۸۲۳ ق «شرح ارشاد» را تصنیف کرد.
- ۸۲۵ ق «مصباح و شرح عقاید» را شرح نوشت.
- ۸۲۶ ق «آداب البحث» را به اشاره حضرت رسالت شرح کرد.
- ۸۲۸ ق «شرح لباب» را نوشت.
- ۸۳۲ ق «مطول» را شرح نوشت.
- ۸۳۴ ق «شرح مفتاح» را نوشت.
- ۸۳۵ ق «تلویح» را حاشیه نوشت.
- ۸۳۵ ق «قصیده برده» را شرح نوشت.

- ۸۳۵. ق «قصیده روحیه ابوعلی سینا» را شرح نوشت.
- ۸۳۸. ق «وقایه» را شرح نوشت.
- ۸۳۹. ق «هدایه» را شرح نوشت.
- ۸۳۹. ق کتاب «حدائق الایمان لاهل العرفان» را تصنیف کرد.
- ۸۴۸. ق به ممالک رم انتقال یافت. (در نسخه توپکاپی این تاریخ ذکر شده و در نسخه ایاصوفیه نیامده).
- ۸۵۰. ق شرح بر «مصباح» به اشاره حضرت رسالت.
- ۸۵۶. ق شرح بر «شرح مفتاح» سید شریف.
- ۸۵۶. ق شرح بر «مطالع».
- ۸۵۷. ق شرح بر «کشاف».
- انوار الحدایق، حدایق الایمان و تحفه السلاطین از جمله آثار فارسی وی است که در کتابخانه‌های ایران موجود نیستند و اگر در کتابخانه‌های ترکیه هم وجود داشته باشند، در دسترس نگارنده نبود لذا اظهار نظر در این زمینه نیاز به پژوهشی دیگر دارد.
- ۸۶۱. ق در حالی که ۵۷ سالگی را به پایان آورده و به ۵۸ سالگی وارد شده به دستور وزیر عثمانی «محمود پاشا» اشتغال به تألیف «تحفه الوزراء یا تحفه المحمودیه» می‌نماید. (بسطامی شاهرودی، ۸۶۱: ۲۴۱ و ۲۴۲)
- در بررسی آثار شیخ علی بسطامی شاهرودی، تحفه الوزراء اشاره‌ای به تفسیر محمدیه ندارد اما در سایر منابع به نام این اثر اشاره و یادآوری شده که به فرمان محمد فاتح، سلطان عثمانی به رشته تحریر درآمده است.

معرفی نسخه های تحفه الوزراء

دو نسخه از تحفه الوزراء در کتابخانه‌های ترکیه یافت شد که هر دو نسخه کامل و سالم است و مشخصات آن‌ها بدین ترتیب است:

نسخه ایاصوفیه:

که در این پژوهش به عنوان نسخه اساس شناخته می‌شود، متعلق به کتابخانه ایاصوفیه

است به شماره ۲۸۵۵ و مطلق آنچه در آغاز و انجامه اثر آمده در سال ۸۶۱ تألیف شده است. قطع نسخه ایاصوفیه وزیری متوسط است با اندازه ۲۶۴ در ۱۷۸ میلیمتر و اندازه متن ۱۷۳ در ۹۷ میلیمتر است جلد آن قهوه‌ای دارای نقش ترنج و سرترنج ضربی است و بر روی کاغذ شکری در ۲۸۳ برگ تألیف شده است.

در صفحه آغازین داخلی این اثر چند مهر دیده می‌شود که آیات قرآن بر آن نگاشته شده است. این مهرها می‌تواند از تعلق کتاب در طول زمان به افراد و اشخاص مختلف حکایت کند.

بر روی یکی از مهرها نوشته شده «الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله» و بر مهر دیگر درج شده «یا رب زتو توفیق تمنا کند ... (ادامه ناخواناست). مندرجات متن مهر سوم کاملاً ناخواناست اما همین مهر بر صفحه آخر، در پایین انجامه حک شده است. این مهرها و نوشته‌ها در صفحه آغازین نشان می‌دهد این اثر بارها دست به دست شده و یکی از عبارات، حکایت از وقف آن دارد. آن عبارت چنین است:

قد وقف هذه النسخة الجلیله سلطاننا الاعظم و الخاقان المعظم مالک البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین السلطان بن السلطان، السلطان الغازی محمود، حان وقفاً صحیحاً شرعياً لمن طالع و استرشد دامات و استسعد حلد الله ملكه الامجد حوره الفقیر احمد شیخ زاده المقتبس باوقاف الحرمین الشریفین غفرلها».

مطابق این متن، باید تصور کرد زمان وقف به دوره سلطان محمود اول (۱۱۴۳-۱۱۶۸ ق.) یا سلطان محمود دوم (۱۲۲۳-۱۳۱۱ ق.) از سلاطین عثمانی باز می‌گردد و ظاهراً تحریر آن به وسیله‌ی شخصی به نام احمد شیخ زاده انجام گرفته است یک سوم از صفحه مقدمه دارای نقشی مُدَّهَب است که در آن «بسم الله الرحمن الرحیم» مندرج است این نقش با سه رنگ مشکی، سبز و آبی آراسته شده و همه صفحات مقدمه که قریب به پانزده است، کادربندی شده و بقیه متن فاقد هر نوع تزیین است.

چون نثر مقدمه گاه مسجع است فواصل جمله‌های قرینه با دایره‌های قرمز مشخص شده و جهت جدا کردن مصرع‌ها از همین فواصل دایره‌ای استفاده شده است. قسمت‌های مهم مانند عناوین فصل‌ها، نام اشخاص مهم (محمود پاشا)، نکته‌ها، فایده‌ها، سوال‌ها، جواب‌ها و

... با خط درشت تر و در برخی از صفحات با رنگی متفاوت از متن اصلی تحریر شده است. این نسخه خط خوردگی ندارد و اگر جا افتادگی هم داشته یا کلمه‌ای فراموش شده، علامتی کوچک در بالای کلمه (V) نوشته و کلمه‌ی افتاده را که قرار بوده اضافه گردد، در حاشیه سمت چپ همان خط، یعنی جایی که خط به پایان رسیده آورده و از اینکه در بین سطور، چیزی اضافه کند خودداری کرده است.

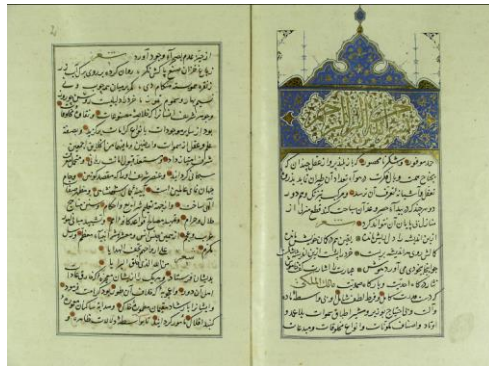
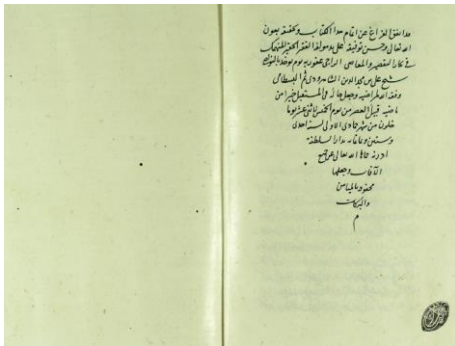
این نسخه فاقد شماره‌گذاری صفحات است و پیوستگی مطالب تنها راه ترتیب صفحه‌ها می‌باشد. نویسنده در نگارش سطرها قاعده خاصی را در نظر داشته و فاصله سطرها تقریباً یکسان است. تعداد خطوط در هر صفحه بین ۱۶ تا ۱۹ سطر تغییر و صفحه‌ها فاقد شماره و رکابه است.

مقدمه تحفه الوزراء نسخه ایاصوفیه، با بسم الله آغاز، با حمد و ستایش خداوند ادامه می‌یابد و با مدح و نعت پیامبر اوج می‌گیرد و مؤلف بعد از عروج به آسمان به زمین نزول می‌کند و به ستایش محمود پاشا وزیراعظم دولت عثمانی در عصر محمد فاتح می‌پردازد سپس با ذکر اسباب نامگذاری کتاب، مقدمه را به پایان می‌برد و فهرستی از ابواب نسخه را می‌آورد.

صفحات آخر، این نسخه با بخشی به نام «خاتمه» پایان می‌گیرد که مؤلف در آن به توقع خویش از فاضلان و کاملان پرداخته و امید دارد که به چشم عنایت و محبت در این کتاب نظر کنند سپس انجامه‌ای را می‌آورد که در آن ضمن ذکر نام خود به تاریخ و مکان انجام گرفتن اثر اشاره می‌کند. مؤلف با دعای خیر برای خود و اثرش کار را به پایان می‌برد.

علامت اختصاری «ایا» در پژوهش دلالت بر نسخه ایاصوفیه دارد و خط نسخه نستعلیق و

خوانا است.



نسخه توپکاپی

به شماره E.H.1342 متعلق به کتابخانه توپکاپی است. جلد این کتاب آلبوینی، ترنج، طبله دار با نقشی تذهیب شده در وسط جلد است که با نواری مشکی رنگ در زوایا و کناره های جلد، تزیین شده است. ابعاد این اثر ۱۷/۵ × ۲۶/۵ و طول هر سطر ۱۱ سانت است. قطع نسخه توپکاپی وزیري متوسط با اندازه ۲۶۵ در ۱۷۵ میلیمتر با طول و سطر ۱۱۰ میلی متر است.

این نسخه فاقد انجامه، تاریخ و نام کاتب است. اما در صفحه دوم که عنوان اثر درج شده است، اطلاعات دیگری به زبان فارسی، عربی و ترکی ذکر شده است. در وسط صفحه چنین آمده است:

«هذا كتاب تحفه المحمودیه، تحفه المحمودیه فارسی للشيخ علاء الدین علی بن محمد

البسطامی الشهیر بمصنفک المتوفی سنه ۸۷۵ و هی نصایح الملوک و الوزراء علی عشره ابواب فیہ احواله و اسفار و آثار و اعتذر (؟) و فرغ فی جمادی الاول سنه ۸۶۱. کشف الظنون فی اسامی الکتب و الفنون باید توجه داشت کاتب در شرح احوال مصنفک از کشف الظنون استفاده کرده است و این کتاب در نیمه اول قرن یازدهم ه.ق تألیف شده و حکماً کاتب به این اثر دسترسی داشته است.

در گوشه سمت چپ صفحه به ترکی نوشته شده «تاریخ ولادت لری سنه ۸۰۳ کما فیہ»
در گوشه پایین سمت راست این عبارت به تحریر درآمده است:
«نسبت این فقیر بر این ترتیب است. شیخ علی بن مجدالدین محمد بن مسعود بن محمود بن محمد بن محمد بن عمر الشاهرودی البسطامی الهروی الرازی عمری الکبری الی اخر. من اصل الاول من باب السادس من هذا الكتاب.»

در سمت چپ عنوان اثر، در گوشه پایین به ترکی این عبارت تحریر شده است.
«مولانا نک کتابتده نهایت متبه سرعتی اولوب بوقدر اشغال ایله ینه مؤلفاتندن یومیه بر جزء کتاب ایدر لر اعیش» کذا فی ترجمه الشقائق النعمانیه.

با توجه به سال تألیف الشقائق النعمانیه (۹۹۲-۹۳۴) و استناد کاتب به این اثر و کتاب کشف المظنون ضروری است زمان تحریر این نسخه، نیمه اول یا دوم قرن یازدهم به بعد باشد. در جایی دیگر از همین صفحه تاریخ تألیف کتاب چنین آورده شده «تاریخ تألیف کتاب وقع فی ادرنه فی سنه ۸۶۱ کما فیہ»

و در انتهای صفحه نوشته شده «با خطه الشریفه کما ذکر فی آخر الكتاب» در پایان اثر عبارتی ریز به خط شکسته نستعلیق بدین مضمون درج شده است.
«نظر العبد الفقیر فی بعضه الاوقات بعضه النظر کما یشاهده من ینظره بنظر صحیح (فو صحه؟) و انما الاعمال بالنیات و لكل امری مانوی» سنه ۱۱۲۰.

از مفاد این عبارات نمی توان به کاتب و تاریخ کتابت آن پی برد، بلکه ظاهراً این اثر به وسیله کسی مورد مطالعه قرار گرفته و آن شخص نظر خود را در مورد اثر، در عبارتی کوتاه آورده و تاریخ اظهار نظر را درج نموده است.

این نسخه به خط نستعلیق و گاه نستعلیق شکسته کتابت شده و در هر برگ ۱۸ سطر

جای داده شده است. مقدمه اثر فاقد کادربندی و هر نوع تزئینی است. عناوین، باب‌ها، فصول، نکته‌ها، فواید، سوال‌ها و جواب‌ها با خطوط درشت تحریر شده‌اند. این نسخه فاقد خط‌خوردگی است و اگر واژه یا عبارتی هم افتاده باشد، علامتی شبیه به هفت کوچک در جایی که کلمه، جامانده، نوشته و در حاشیه سمت چپ در پایان سطر، واژه افتاده به تحریر درآمده است.

برای شماره گذاری صفحه در نسخه توپکاپی از «رکابه» استفاده شده است یعنی؛ کاتب یک یا چند واژه آغازین از صفحه سمت چپ را در پایین صفحه راست می‌آورد تا با این کار مشخص شود که واژگان آغازین برگ بعدی چیست. کاتب در نگارش سطرها فاصله یکسانی را رعایت کرده است. شمارگان صفحات این نسخه کمتر از نسخه ایاصوفیه است بدان سبب که خط آن ریزتر، فواصل سطور کمتر و تعداد سطرها در هر صفحه بیشتر از نسخه ایاصوفیه است و نسخه توپکاپی ۲۴۰ برگ دارد و مصحح از علامت اختصاری «توب» برای دلالت بر این نسخه استفاده کرده است. نبود اغلاط املائی و درست نویسی متن از تسلط کاتب به لغت فارسی و عربی حکایت دارد.

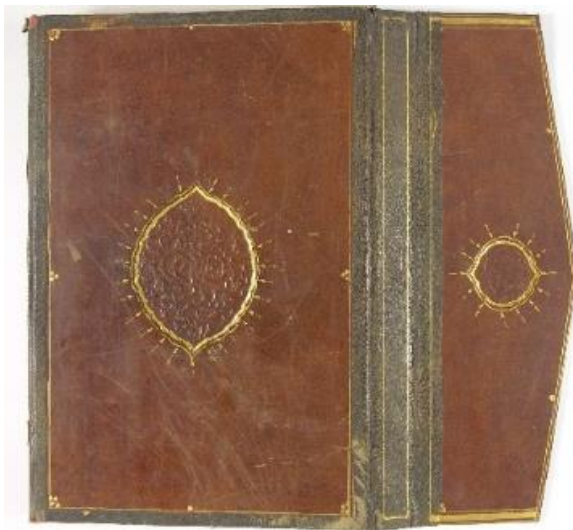
نسخ مورد استفاده در این پژوهش، با وجود شباهت‌های متعدد، تفاوت‌هایی هم با هم دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

حاشیه نسخه ایاصوفیه اختصاص به کلمه‌ها و عبارات و عناوین افتاده و جامانده در متن دارد و کمتر اظهارنظری از مؤلف به چشم می‌خورد اما در نسخه توپکاپی کاتب نه تنها واژه‌ها و عبارت‌های افتاده متن را در آورده است بلکه گاه به توضیح لغات به زبان عربی یا ترکی پرداخته است. (ص ۱۳۰ نسخه توپکاپی)

در نسخه توپکاپی، اغلب واژگان برخی صفحات بی‌نقطه هستند. این نوع کتابت، خصوصاً در صفحه‌هایی که کاملاً به زبان عربی است، کار تصحیح را با دشواری مواجه می‌کند. البته تحریر واژگان بدون نقطه در نسخه ایاصوفیه هم سابقه دارد اما کثرت کاربرد این شیوه در نسخه توپکاپی، بسیار بیشتر است.

نسخه توپکاپی خطی ریزتر از نسخه ایاصوفیه دارد لذا شمارگان صفحه‌های آن کمتر است.

خط نسخه ایصوفیه نستعلیق خوانا است اما نسخه توپکاپی گاه به ناخوانایی دچار می آید و از اسباب آن پیوسته نویسی های نامتعارف، حذف نقطه ها، ریزبودن خط، فاصله اندک سطور و خستگی کاتب در هنگام تحریر است که در کیفیت نوشتن او انعکاس یافته است. نسخه ی توپکاپی خطی دوگانه دارد گاه نستعلیق و گاه شکسته نستعلیق. مقدمه ایصوفیه کادربندی شده و مزین گردیده به رنگ ها و نقش هاست در حالی که مقدمه توپکاپی فاقد هرگونه زینت و آراستگی است.



بحث

ساختار تحفه الوزراء

این اثر در ده باب تالیف شده است به شرح ذیل:

باب اول: در بیان فضیلت علم و دانش

باب دوم: در بیان معاشرت امرا و وزراء و کیفیت معاش و زندگی ایشان با اصناف خلائق و انواع طوایف.

فصل اول: در کیفیت معاش سلاطین و پادشاهان.

فصل دوم: در سیرت سلاطین گذشته و صفت پادشاهان پیشینه.

فصل سوم: در سیرت وزراء.

فصل چهارم: در کیفیت زندگی پادشاه و وزراء با طوایف مختلفه.

باب سوم: در تهذیب اخلاق و تخلّق به اخلاق ملک خلاق و تحلی به صفت جمیله و تعرّی از صفات ذمیمه.

باب چهارم: در شرف جود و جوانمردی و فضیلت و مزیت سماحت و سخا و ماجری هذا المجرى.

باب پنجم: در بیان فضل و شرف توبه کردن از گناهان و ندامت و بازگشتن از مآثم و مانند آن.

باب ششم: در بیان فضل و شرف برآوردن مقاصد و مرادات و سعی کردن در تحصیل حاجت ارباب حاجات.

باب هفتم: در بیان فضل و شرف شناختن حقوق ولی نعمت و وفاکردن با خداوند عطیت و خلعت.

باب هشتم: در مذمت و بی وفایی دنیا و محنت و بینوایی این دار بلا و فنا و در بیان حقیقت موت و آنچه متعلق است بدان.

فصل اول: در بیان حقیقت دنیا و بی وفایی و بی بقایی او.

فصل دوم: در بیان حقیقت موت و آنچه متعلق است بدان.

فصل سوم: در بیان حکمت موت و فواید آن.

فصل چهارم: در بیان حقیقت زیارت قبور و مایتعلق بذلک من الامور.

فصل پنجم: در بیان مراتب ارواح انسانی.

فصل ششم: در امور متفرقه.

باب نهم: در بیان امر معروف و نهی منکر و تقویت دین و ترویج ملت.

باب دهم: در ذکر رحمت حضرت باری و کمال مغفرت و شفقت حضرت ایزد متعالی.

خاتمه.

مؤلف برای انتخاب ساختار مذکور، در پایان اثر دلایلی را ذکر می‌کند که خواندنی و

جالب توجه است:

« شاید که به خاطر ناظر بگذرد که اختیار این ابواب را سبب چیست و باز افتتاح به باب علم و احتتام به باب رحمت به این ترتیب مخصوص از چه جهت است؟ جواب آن است که حضرت عزت - تعالت آلاؤه و تعاضمت نعمائوه - آدمی را به عبث نیافریده است.

چنانکه فرموده است که: «افحسبتم انما خلقنا کم عبثا و انکم الینا لاترجعون» بل که او را از برای طلب سعادت خود، آفریده است و سعادت او در شناختن حق است و در خدمت او چنانکه فرمود:

«و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» ای ليعرفون و یشتغلوا بعبادتی و چون مقصود اصلی و غرض اولی شناختن و خدمت کردن است لاجرم حضرت وهاب مطلق و معبود به حق او را دو قوه بخشید که یکی از آن دو قوه «قوه نظریه» خوانند و دیگری را «قوه عملیه» گویند و مقصود از قوه نظریه معرفت حقایق اشیاء است کماهی و مقصود از قوه عملیه قیام است به امور علی ما ینبغی و مقرر و مبرهن است که حکمت در انزال کتب و ارسال رسل، تکمیل نفوس بشریه است به اعتبار این دو قوه و فضایل و کمالات انسانی اگرچه بسیار است اما منحصر است در دو قسم:

قسم اول، کمالاتی است که متعلق به قوه اولی است یعنی؛ کمالات عملیه که مکتسب است به قوه نظریه.

قسم دوم، کمالاتی است که متعلق به قوه ثانیه است یعنی؛ کمالات عملیه‌ای که مکتسب است به قوه عملیه.

قسم اول را «حکمت علمیه» گویند و قسم دوم را «حکمت عملیه» خوانند و شک نیست که عمل موقوف است بر علم و باب اول در کمالات علمیه است که مستفاد است از قوه نظریه و چون علم مقدم است بر عمل لاجرم او را بر همه ابواب تقدیم نموده شد و باقی ابواب در کمالات عملیه‌ایی است که مکتسب است به قوه عملیه و مقتضای قیاس آن بود که تهذیب اخلاق را بر معاشرت امرا تقدیم کنید لیکن چون غرض از وضع این کتاب بیان معاشرت امراء و وزراء بود، این باب به این اعتبار اهم است و تقدیم اهم، شرع قدیم و سنت بلاغت است «و لن تجد لسنة الله تبديلا».

اما وجه تقدیم باب جود و جوانمردی بر باب توبه آن است که جود موقوف علیه است زیرا که حاصل جود ایثار و ترک است و تا این معنی محقق نگردد، توبه میسر نگردد لاجرم توبه بر خسیس به غایت دشوار است و بر جوانمرد به غایت آسان زیرا که او از سر دنیا بلکه از سر نفس خود به آسان تواند گذشتن.

اما وجه تقدیم باب توبه بر باب برآوردن مقاصد و مرادات ارباب حاجات آن است که توبه متعلق به تکمیل نفس خود است و اعطاء مراد متعلق به تکمیل غیر و کمال نفس مقدم است بر تکمیل غیر زیرا که تا کسی کامل نباشد دیگری را کامل نتواند ساختن.

اما وجه تقدیم باب برآوردن مقاصد و مرادات بر باب شناختن حقوق ولی نعمت آن است که این در تحقیق به آن راجع است زیرا که مطلوب ولی نعمت آن است که حق او را فراموش نکنند و مراد او رعایت حقوق اوست پس در تحقیق این اعطاء مراد غیر است.

و اما وجه تقدیم باب شناختن حقوق ولی نعمت بر باب ذم دنیا و بی وفایی او آن است که در حقیقت این موقوف است بر آن، زیرا که ولی نعمت حقیقی حضرت حق است و هر کس حقوق او را شناخت دنیا در نظر او مذموم شد و بی وفایی او بر وی ظاهر شد و چون این معنی محقق شود امر معروف و نهی منکر آسان شود و به تحقیق انجامد.

و چون مطلوب از همه آن است که ختم کار بر رحمت کردگار واقع شود لاجرم ختم کتاب بر باب رحمت اختیار کرده شد. (بسطامی شاهرودی، ۸۶۱ ق: ۲۷۸-۲۸۱)

رتبه	فصل ها	آیات عربی	حکایت ها	آیات فارسی	سوال	جواب	فایده	نکته	نصیحت	مشکل	کل	تبییه
اول	-	۱	۴	۵۲	۱	۱	-	۱	-	-	-	-
دوم	اول	۳	۴	۲۵	۲	۲۲	-	-	-	-	-	-
	دوم	-	۳	۴	-	-	۱	-	-	-	-	-
	سوم	-	۳	۶	-	-	۱	-	-	-	-	-
	چهارم	-	۲	۱۷	-	-	۱	-	-	-	-	-
سوم	-	۳	۵	۲۳	-	-	-	-	-	-	-	
چهارم	-	۱	۱	۱۸	-	-	-	-	-	-	-	
پنجم	-	-	-	۱۲	۱	۱	۱	-	۱	۱	۱	-
ششم	-	۱	۷	۱۲	-	-	-	-	-	-	-	-
هفتم	-	۱	۴	۳۱	-	-	-	-	-	-	-	-
هشتم	اول	-	۹	۷۶	-	-	۱	-	-	-	-	-
	دوم	-	-	۳	-	-	-	-	-	-	-	-
	سوم	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
	چهارم	-	۳	۲	-	-	-	-	-	-	-	-
	پنجم	-	-	۵	-	-	-	-	-	-	-	-
	ششم	۵	۱	۴۷	-	-	-	۲	-	-	-	-
نهم	-	۱	۴	-	-	-	۱	-	-	-	-	
دهم	-	-	۴	۱۱	۱	۱	-	-	-	-	۱	-
خاتمه	-	۱	-	۵	-	-	-	-	-	-	-	-
جمع	-	۱۷	۵۴	۳۵۰	۵	۵	۷	۳	۱	۱	۱	۱

ویژگی سبکی تحفه الوزراء

تحفه الوزراء اثری است منشور متعلق به قرن نهم، مؤلف آن ۴۵ سال از زندگی خود را در قلمرو فارسی زبانان بسر برده (۸۴۸-۸۰۳) و براساس آن چه خود می گوید در سال ۸۴۸ ق به روم هجرت نموده است و تا پایان عمر در آنجا می زیسته است (۸۴۸-۸۷۵) در آثار او نشانه‌ای نمی توان یافت که دلالت بر بازگشت او به حوزه زبان فارسی داشته باشد و ظاهراً تا زمان درگذشت خود در قلمرو عثمانی می زیسته است و جز برای سفر حج از آن

قلمرو خارج نشده است، پس مصنفک حدود ۴۵ سال را در جغرافیای زبان فارسی و ۲۷ سال را در جغرافیای زبان ترکی می‌زیسته است و بنا بر آشنایی او با متون دینی، تسلط او به زبان عربی محرز است.

مؤلف تحفه الوزراء در همین اثر اشاره می‌نماید که به سبب قلت مخاطبان و خوانندگان فارسی زبان قصد نوشتن آثارش به فارسی را نداشته است اما آشنایی محمود پاشا و محمد فاتح با زبان فارسی و تشویق آن وزیر، او را بدین کار تحریض نموده است. قلت آثار فارسی وی یکی دیگر از دلایلی است که نشان می‌دهد مؤلف به سبب نداشتن مخاطب و خواننده فارسی زبان، میل نداشته که آثارش را به فارسی تحریر کند.

اما اثر تحفه الوزراء به خوبی نشانگر تسلط مصنفک به متون فارسی و شاهکارهای ادبی پیش از وی است. وی از اشعار شاعران فارسی‌گوی در همین اثر بهره برده که شاهدی است بر دسترسی او به منابع فارسی و تسلط او در درک معانی و مضامین آنها. مصنفک نه تنها به آثار منظوم فارسی دسترسی داشته بلکه آثار مثنوی چون تاریخ جهانگشا، قابوسنامه، سیاست نامه، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و گلستان سعدی را در اختیار داشته و به دقت مطالعه کرده است. تحفه الوزراء مجموعه‌ای از اشعار و حکایت‌های فارسی پندآموز فارسی است که به جهت یادآوری نکات مهم به وزیر دولت عثمانی در اداره حکومت، جمع آوری شده است.

مقدمه نثر تحفه الوزراء متکلف و مصنوع است و بی‌شبهت به مقدمه نثر تاریخ جهانگشا نیست. حکایت‌های این اثر نثری ساده و مرسل دارند و در مقدمه‌های باب‌ها و فصول، می‌توان نمونه‌هایی از نثر مسجع را یافت. نثر تحفه الوزراء با نثر دوره تیموری، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد که لازم است در آغاز ویژگی‌های نثر دوره تیموری فهرست‌وار بیان شود تا تمایز و تشابه آن آشکار گردد. آن خصایص عبارتند از:

- مقدمه کتب و خطبه‌ها و فواتح فصول به سبک قدیم نوشته می‌شود و اگرچه از حیث سجع قدری شباهت به آثار قدیمی دارد اما از حیث جزالت و انسجام در مرتبه پایین‌تر قرار دارد.

- لغات عربی بسیار کمتر از قدیم و اشعار عربی به ندرت در نثر این دوره دیده می‌شود.

- متن آثار این دوره ساده و گاه سست است.
- کاربرد قالب و عناوین و پرچانگی های مولفین اوایل دوره تیموری در آغاز کتب یا فصول دربارهٔ ممدوحان شیوهٔ اطناب در مدح را در نثر این دوره زنده کرد.
- استفاده از لغات و ترکیبات تازی و ترکی کردن الفاظ فارسی که همان معنی را دارد، رایج است.
- کاربرد پی در پی فعل وصفی و خبری به صیغه های ماضی نقلی یا بعید یا با حذف فعل معین، از اختصارات نثری این دوره است.
- حذف افعال بدون قرینه.
- کاربرد ضمیر مفرد غایب برای غیرجاندار.
- مطابقت صفت و موصوف مطابق نحو عربی.
- استفاده از لغات مغولی. (بهار، ۱۳۴۹: ج ۳، ۲۰۹ و ۲۱۰)

«شیوهٔ نثر فارسی در این عهد، به نثر ساده و روان انجامید و آثار متکلف رو به کاستی نهاد. گاه کار نثر به دست کسانی افتاده که بهره ای کم از ادبیات داشتند. واژه های ترکی به زبان فارسی وارد شد و ادب ترکی در دههٔ پایانی سدهٔ نهم و دهم با ظهور شاعران و نویسندگانی چون امیر علیشیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر اوج گرفت. رشد و توسعه ادبیات ترکی اسباب نفوذ لغات ترکی در زبان فارسی بویژه در کتب تاریخی را فراهم آورد لیکن سبب برهم خوردن توازن زبان فارسی نشد و به تدریج بیشتر این لغات از میان رفتند.» (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۵۵)

اگرچه اغلب این ویژگی ها در تحفه الوزراء یافت می شود اما دو ویژگی کاربرد اندک لغات عربی و افزونی گرفتن لغات ترکی در آن دیده نمی شود. استفاده از زبان و لغات عربی در این اثر چندان چشمگیر است چنان که گاه مؤلف در توضیح و تفسیر نحوی و لغتی یک آیه چند صفحهٔ کامل به عربی می نویسد (۶۱-۵۲) و علت آن را این گونه بیان می کند.

«فی الجملة چون حلیهٔ اختصار مرعی است و غرض از کلام افهام است طریقهٔ اختصار و وتیرهٔ ایضاح سلوک کرده آمد آمیخته به زبان عربی لانه اخصر و اظهر و اشرف. پس هر زبانی و کلامی که از این زبان خالی باشد نزد خرد او را وقعی و مکانتی نباشد.

اذ هو لسان القرآن و لسان النبی فی آخر الزمان فنقول و بالله التوفیق.» (بسطامی شاهرودی، ۱۶۱: ۲۵)

در تحفه الوزراء بر خلاف نثرهای فارسی این دوره، لغات ترکی انگشت شمار است اگر چه در نسخه توپکاپی در حاشیه اثر توضیحاتی به زبان ترکی درج شده است اما قطعاً به قلم مؤلف نیست.

خلاصه آنکه نثر تحفه الوزراء آمیخته‌ای از نثر متکلف، مسجع و ساده است. مقدمه اثر فنی است. آغاز فصل‌ها گاه مسجع و حکایت‌ها به نثری ساده نوشته شده اند. حکایت‌ها با عبارات خاصی آغاز می‌شوند. مانند: آورده‌اند که (همان: ۶۵) مخبران اخبار و ناظران عقود اخبار آورده‌اند (همان: ۶۷). نثر آن منزّه و عقیف است و فقط یک بیت رکیک در آن دیده می‌شود (همان: ۱۳۰). برخی حکایت‌ها اقتباس از آثار پیشینیان است مانند حکایت صفحه ۶۷ که خلاصه حکایتی از باب دوم مرزبان نامه است. مؤلف در آغاز باب اول، خود بدین شیوه اذعان می‌نماید و می‌نویسد: «این فقیر بیچاره بعد از وقوف و اطلاع بر حقایق مصنفات بزرگان گذشته، برگرد حدائق آن برآمدم و شمیمی از تسائم هر یک بمشام آرزو استنشاق کردم و چون نحل بر هر شکوفه‌ای از افنان عبارات ایشان نشستم و از هر یک، آنچه خلاصه لطافت و نقاوه حلاوت بود به صدف خاطر بردم و چون در ممارست این معنی ید اقتدار بحصول پیوست، هم همت و لوغ نهمت متقاضی آمد که در سلاست عبارات مهذب و در فصاحت لفظات مستحسنه منطفه طاقت و اجتهاد بر کمر سعی و جهد بسته گردد.» (همان: ۲۲)

نمونه ای از نثر مسجع:

- ۱- «بدان که آداب ارباب تألیف و دیدان اصحاب تصنیف و شعار خداوندان فطنت و دثار تیز خاطران صاحب خیرت ...» (همان: ۲۱)

نمونه ای از نثر متکلف:

- ۲- «چون عنان مراکب همم را به صوب مقصودی از مقاصد معطوف گردانند و در میادین سخن رانی و سخن پردازی سه طفل بنان را بر نی پاره ای سوار گردانند هر آینه همگی

همت و جملگی نهمت خود را بر آن گمارند که در فضاء طمطراق عبارات و ساحت صنوف استعارات ادهمان گام زن براعت که بگامی چند عرصه خافقین به پیمانند و اشهبان دور دو و فصاحت و بلاغت را که در مضمار ضمیر بر وهم سبق گیرند و بر خیول فصحاء و جیوش بلغا تازند.» (همان: ۲۲)

نمونه ای از نثر مرسل:

۳- «یکی از علمای اسلام به سلام عمر بن عبدالعزیز رفت. دید که صورتش بغایت متغیر گشته از بسیاری بیداری شب و کثرت طاعت و عبادت. گفت: یا خلیفه، روزگار این چه تغیرست که در چهره شما ظاهر شده؟ عمر در جواب گفت: چون مرادر قبر نهند ... (همان: ۲۱۹)

نتیجه گیری

سابقه اندرزنامه‌های سیاسی به ایران قبل از اسلام باز می‌گردد و علما و حکمای هر عصر این نوع آثار را خطاب به فرمانروایان و یا به درخواست آنان می‌نگاشتند تا راهنمای عمل سلاطین، خلفا و امرا قرار گیرد. تحفه الوزراء یا تحفه المحمودیه، یکی از این گونه اندرزنامه‌های سیاسی است که به درخواست یکی از وزراء دولت عثمانی در سال ۸۶۱ ه. ق (محمود پاشا) به وسیله شیخ علی بن مجدالدین شاهرودی بسطامی در ده باب تحریر شد. مؤلف این اثر به سبب کثرت آثارش در تذکره‌ها «مصنفک» نام گرفته است.

اثر تحفه الوزراء متعلق به عصر محمد دوم (محمد فاتح) سلطان مقتدر عثمانی است و نویسنده در همین اثر اشاره می‌کند که آنچه را که در تحفه الوزراء آورده موجز و مختصر همان مطالبی است که در تحفه السلاطین آورده است. از این اثر دو نسخه در کتابخانه‌های ترکیه موجود است که یکی متعلق به کتابخانه ایاصوفیه و دیگری متعلق به کتابخانه توپکاپی است.

با توجه به تقسیم بندی ساختاری و مضمونی اندرزنامه‌ها، تحفه الوزراء را می‌توان در زمره اندرزنامه‌های سیاسی محسوب کرد که به درخواست وزیری خاص نوشته شده و در آن از اندیشه ایران شهری خبری نیست. در این اثر مساعی مؤلف بر آن است که سیاست

امرا و سلاطین را به دین نزدیک سازد و میان دین و سیاست وحدتی فراهم آورد تا در آن سلطه دین بر عرصه سیاست محرز باشد به تعبیر دیگر «تحفه المحمودیه» گونه‌ای از شریعت نامه نویسی است که یکی از اشکال اندرزنامه‌های سیاسی است. مخاطب این اثر عامه مردم نیست و روی سخن مؤلف با خواص و صاحبان قدرت است.

توجه مؤلف در این اثر به منابع اسلامی چون قرآن، حدیث و اخبار و روایات، ریشه در دو عامل مهم دارد. از یک سو امپراتوری عثمانی مدعی رهبری دینی جامعه است و شریعت را پایه قوانین اجتماعی قرار داده است و از سوی دیگر عالمان دینی در نظام اداری جامعه نقشی چشمگیر و برجسته دارند و براساس شریعت در امور حقوقی و نظام آموزشی مداخله می‌کنند. مؤلف تحفه الوزراء از جمله همین علمای بلندپایه دربار عثمانی است که استفتاء سلطان عثمانی را پاسخ می‌نوشت و مطابق رای و خواست سلطان فتوی صادر می‌کرد.

شیخ علی بسطامی حدود ۴۵ سال از عمر خویش را در قلمرو حکومت ایلخانان گذراند و پس از مهاجرت به ممالک روم در سال ۸۴۸ ق، تا پایان عمر در قلمرو حکومت عثمانی زیست. او مهاجرت به روم را از عوامل موفقیت خویش در زمینه علمی و اجتماعی بر می‌شمارد. سیزده سال اقامت وی در ادرنه و هفده سال در استانبول، اگرچه جایگاهی ویژه و منزلتی خاص، برای او فراهم آورد اما چیزی از دلتنگی‌های او برای موطن اصلی و زبان مادریش، نکاست. اگرچه سلاطین بزرگ عثمانی به زبان فارسی آشنا و به همین زبان شعر می‌سرودند اما استفاده از زبان فارسی در آن دوره عمومیت نداشته و مؤلف یکی از دلایل عدم تمایل خود به تالیف و کتابت به زبان فارسی را، عدم درک لطافت و ملاحظت زبان فارسی از ناحیه اهالی دیار روم می‌داند. آثار معدود و انگشت شمار فارسی نویسنده تاییدی بر همین مدعا است اظهار شادمانی وی از هم کلامی با محمود پاشا که به زبان فارسی آشنا بوده، حکایت از آن دارد که سال‌های متمادی اقامت وی در جغرافیای دولت عثمانی و تسلط او به دو زبان ترکی و عربی، هیچگاه موجب کاهش اشتیاق و علاقه وی به زبان فارسی نشده است.

تحفه الوزراء به لحاظ ساختاری اثری است مشتمل بر ده باب که باب دوم آن از چهار فصل و باب هشتم آن متشکل از ۶ فصل است. این اثر مشتمل بر ۱۷ بیت شعر عربی، ۵۴

حکایت، ۳۵۰ بیت شعر فارسی، ۵ سوال، ۵ جواب، ۷ فایده، ۳ نکته، ۱ نصیحت، ۱ مشکل، ۱ حل و ۱ تنبیه است. دو باب دوم و هشتم که از حجم بیشتری برخوردارند در دو موضوع بیان معاشرت امرا و وزراء و کیفیت معاش و زندگی آن ها با اصناف مردم و در مذمت بی وفایی دنیا و حقیقت مرگ است.

تحفه الوزراء نثری سه گانه دارد، مقدمه این اثر فنی و متکلف، حکایت ها مرسل و ساده و برخی از مقدمات فصول مسجع است. این اثر واجد برخی از ویژگی های سبکی نثر قرن نهم و فاقد برخی از آن هاست به عنوان نمونه کاربرد فراوان لغات عربی و قلت لغات ترکی، از اختصاصات تحفه الوزراء است که در نثر قرن نهم معکوس آن مشاهده می شود. استفاده از زبان عربی در این اثر چنان خود به خودی صورت می گیرد که به روشنی می توان دریافت زبان علمی نویسنده عربی بوده و هرگاه می خواهد به توضیح موضوعی کلامی، نحوی یا بلاغی پردازد به صورت طبیعی و بی هیچ مقدمه ای زبان او به عربی انتقال می یابد و در جایی از این اثر نویسنده علت این تغییر زبان را با حمایت ایجاز و اختصار ذکر می کند. دوری طولانی مدت نویسنده از کانون اصلی زبان فارسی، می تواند از عوامل عدم مطابقت برخی اختصاصات سبکی این اثر با نثر قرن نهم باشد.

منابع

۱. انوری، حسن (۱۳۷۸) صدای سخن عشق، تهران، سخن.
۲. باطنی، محمدرضا (۱۳۹۴) پیرامون زبان و زبان‌شناسی، تهران، آگه.
۳. ، (۱۳۹۴) چهار گفتار درباره زبان، تهران، آگه.
۴. پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) سفر در مه، تهران، زمستان.
۵. حمیدیان، سعید (۱۳۹۲) شرح شوق، ج ۳، تهران، قطره.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸) موسیقی شعر، تهران، آگه.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) بیان، تهران، فردوس.
۸. ، (۱۳۶۸) بدیع، تهران، فردوس.
۹. صفوی، کوروش (۱۳۹۰) از زبان شناسی به ادبیات، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۰. فالر و دیگران، راجر (۱۳۸۱) زبان‌شناسی و نقد ادبی، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، تهران، نشر نی.
۱۱. ، (۱۳۹۲) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران سخن.
۱۲. قویمی، مهوش (۱۳۸۳) آوا و القاء، تهران، هرمس.
۱۳. کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۸۱) بدیع، تهران، نشر مرکز.
۱۴. ، (۱۳۹۱) بر آستان جانان، تهران، سمت.

مقالات

۱۵. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۱) مرز میان زبان و ادبیات کجاست؟ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲، شماره ۶۵ و ۶۶ صص ۳۸ تا ۴۹.
۱۶. ، (۱۳۷۲) انواع ادبی و شعر فارسی، مجله رشد آموزش ادب فارسی،

شماره ۳۳ و ۳۲، صص ۷-۵.

۱۷. فتوحی، محمود (۱۳۸۰) تعریف ادبیات، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره

۳۲، ۱۹۶-۱۷۱.

Introduction, revision and analysis of “Tohfatulvozara” manuscript Ali BastamiShahroudi “Mosannefak”

Minasadat Amir Aftabi¹, Dr. Asghar Dadbeh²

Abstract

“Tohfatulvozara” (a souvenir to ministers) or “Tohfatulmahmoudieh” was authored by Sheikh Ali BastamiShahroudi, better known as “Mosannefak”, a Persian writer of the Ottoman Court in the ninth century of the Lunar Hegira. None of the works of this author has been investigated so far. “Tohfatulvozara” was written at the request of Mahmoud Pasha at the time of Sultan Mohammad Fateh (the Conqueror). The author resided in Aderne at that time and was considered as one of the important learned men of the Mohammad Fateh’s Court. The book was written in ten chapters some of which included different sections. The book may be categorized among the political advice books in terms of content and themes in which the author tried to approximate the methods of government to the Sharia Commands. The author sought help from Verses of the Holy Quran, Traditions, Narrations and poetry of the Persian and Arab men of letters in order to make his work credible and variate its content. The present article tries to introduce the author and his works and to analyze “Tohfatulvozara” and its content in an effort to unveil one of the Persian authors of Anatolia.

Keywords: Manuscript, advice book, political book, Tohfatulvozara, Mosannefak.

¹ . Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Kashan, Kashan, Iran

² . Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Responsible Author)